

## تحلیل و بررسی جایگاه اندیشه مهدویت در نظریه «قیام به سیف» در فرقه زیدیه

حجت حیدری چراتی<sup>۱</sup>

مهرداد ندرلو<sup>۲</sup>

### چکیده

اندیشه «مهدویت» یکی از وجوه مشترک بین فرقه‌ها و مذاهب اسلامی است؛ اما با وجود اجماعی بودن اندیشه مهدویت، نوع نگرش و رویکرد هر فرقه و مذهبی به این موضوع، با دیگری متفاوت است و تعریف و تبیین‌های مختلفی به دست داده‌اند. «زیدیه» یکی از فرقه‌های نخستین اسلامی برآمده از اندیشه شیعی است که اساس کار آن، نفی هرگونه ظلم و بسط عدالت و یکی از اندیشه‌های بنیادین آن‌ها در تعیین امام، «قیام به سیف» است؛ به گونه‌ای که با وجود عقیده به نص و نصب الهی در تعیین امام و حتی بهره‌گیری از روایات خاص مهدوی در این زمینه؛ یکی از نشانه‌های امام در زیدیه محسوب می‌شود؛ اما جایگاه مهدویت؛ چنان که لازم است، در زیدیه پر رنگ نیست و دارای نقش فرعی و تبعی در بحث تشکیل حکومت است و اصالت با نفی ظلم به رهبری فردی فاطمی به صورت نوعی و نامشخص است. از این رو، جستار پیش رو، به تحلیل و بررسی نقش باورداشت مهدویت در شکل‌گیری نظریه «قیام به سیف» از دیدگاه زیدیه پرداخته است. این مقاله به روش داده‌پردازی توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای سامان دهی شده است.

**واژگان کلیدی:** باورداشت مهدویت، حکومت عدل، زیدیه، قیام به سیف.

۱. پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا hojatheidadi@gmail.com

۲. دانش‌پژوه سطح سه مرکز تخصصی مهدویت قم (نویسنده مسئول) ndr1wlmhrdad5@gmail.com

بدون تردید اندیشه مهدویت، یکی از مهم‌ترین آموزه‌های اصیل اسلامی است که با توجه به بشارت ایجاد حکومت عدل الهی در جهان و برچیده شدن هرگونه ظلم و ستم، دارای نقش مهمی در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی است؛ به گونه‌ای که در طول تاریخ اسلام، جریان‌های متعددی بر اساس این اندیشه نضج یافته که به دنبال تحقق عدالت و مبارزه با ظلم بوده‌اند. گفتنی است به دلیل انحرافات و خلل‌هایی که پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بخشی از آموزه‌های اسلامی پدید آمد و با به قدرت رسیدن امویان، ظلم تشکیلاتی در جامعه مسلمین نهادینه شدند که در نتیجه، این جریان‌ها به وجود آمدند. جریان‌های مذکور، با تاسی به قیام عاشورا که با مشروعیت تام صورت گرفت، در کنار باورداشت مهدویت به حرکت‌های عدالت طلبانه اقدام کردند؛ اما خود این جنبش‌ها و قیام‌های اصلاح طلبانه با جدا شدن از منبع تفسیر وحی، یعنی ائمه علیهم‌السلام، دچار انحراف شدند؛ به گونه‌ای که در مسئله تحقق عدالت که در بسیاری از موارد و حداقل در میان جنبش‌های شیعی بر اساس محور امامت و مهدویت شکل می‌گرفت؛ مجموعه کامل، به گونه‌ای جامع در کنار هم قرار نگرفت. بنابراین، برخی مانند «کیسانیه» که در ابتدا به قیام علیه ظلم و بی‌عدالتی اقدام کردند، در ادامه با مرگ رهبران‌شان، گونه‌ای «انتظار منفعلانه» را برگزیدند و تنها با پررنگ کردن بعد عقیدتی به مهدویت و کناره‌گیری از فعالیت‌های اجتماعی، رو به افول و انقراض نهادند. در مقابل، برخی جنبش‌ها مثل «زیدیه» از مهدویت تنها «بعد نظامی و حکومتی» آن را گرفتند و بعد اعتقادی مهدویت را به حاشیه راندند؛ به گونه‌ای که اساس و محور اصلی عقاید زیدیه در مشروعیت امام و تشکیل حکومت عدل بر اقدام مسلحانه بنا گردید و تا جایی پیش رفت که اصل اندیشه مهدویت در میان زیدیه رنگ باخت. این امر بدان سبب بود که زیدیان، عقیده یافتند امام تنها کسی است که باید قیام کند و آشکارا به جهاد و امر به معروف و نهی از منکر بپردازد. بنابراین، دیگر جایی برای پذیرش اعتقاد به امامت امام غایب باقی نماند. با وجود این، آنچه با بررسی مراحل آغازین پیدایش زیدیه به دست می‌آید، حکایت از آن دارد که زیدیان نخستین، نه تنها جز منکران مهدویت نبودند، بلکه اندیشه مهدویت در میان آن‌ها وجود داشته و در تکوین نظریه قیام به سیف در اندیشه زیدیه ایفای نقش کرده است. بر همین اساس، در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای سامان یافته، در تلاش است به تحلیل و بررسی جایگاه مهدویت در نظریه «قیام به سیف» در فرقه زیدیه بپردازد و به این سوال پاسخ دهد که مهدویت در نظریه «قیام به سیف» در فرقه زیدیه دارای چه جایگاهی است؟

ضرورت انجام این پژوهش آن است که زیدیه یکی از فرقه‌های نخستین شیعی است که در تحولات صدر اسلام نقش آفرین است و توانسته در کنار دیگر جریان‌ها به حیات خود ادامه دهد و بنیان‌های اندیشه خود را استحکام بخشد. از این رو، بررسی اندیشه مهدویت و جایگاه آن نزد زیدیه، ما را در شناخت تاریخ اندیشه و همچنین چگونگی مواجهه شیعیان نخستین با مسئله مهدویت یاری می‌رساند.

آنچه در این زمینه با پیشینه بحث قابل ذکر است، این که بیش تر منابعی که به مباحث مرتبط با زیدیه پرداخته‌اند، به بحث‌هایی مانند امامت، مهدویت و یا تاریخ زیدیه و بررسی شخصیت زید بن علی توجه کرده و به نقش آموزه مهدویت و تاثیر آن بر ایجاد حکومت عدل در تفکر زیدیه توجه نکرده‌اند. برخی از تالیفات در این زمینه عبارتند از: مقاله ای از سید علی موسوی نژاد، با عنوان «فرقه حسینی زیدیه»؛ «بررسی تطبیقی اندیشه مهدویت در تفاسیر امامیه و زیدیه» (مطالعه موردی تفاسیر زیدبن علی، ابوالجارود و فرات کوفی)؛ «تالیف فریده پیشوایی و نقش زیدیه و خلفای عباسی در جعل و تحریف احادیث مهدوی با رویکردی به اندیشه و آثار شهید مطهری» نوشته محمد تقی دیار بیگدلی و مریم سادات سجادی.

## مفهوم شناسی

برای تبیین بهتر مقاله، لازم است ابتدا به بررسی مفاهیم واژگان مهدویت، قیام به سیف و زیدیه بپردازیم:

**مهدویت:** مهدویت از نظر لغوی، مصدر جعلی از واژه «مهدی» است، به معنای مهدی بودن و خود را مهدی نامیدن؛<sup>۱</sup> او در اصطلاح به مجموعه آموزه‌ها و تعالیم اعتقادی، معرفتی، اخلاقی، فقهی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی و هر نوع بحث دیگری اطلاق می‌شود که با باور به ظهور فردی از نسل پیامبر ﷺ در آخرالزمان مرتبط است که بر اساس روایات وارد شده، در همه ابعاد هستی تحولی شگرف به وجود می‌آورد و نوید بخش آینده‌ای روشن در انتهای تاریخ برای بشر است.

به بیانی دیگر، مهدویت اندیشه رستگاری جامعه بشری برخاسته از متن آموزه‌های اسلامی و آکنده شدن دنیا از عدل و داد است؛ پس از آن که از ظلم و ستم لبریز شده است و مسلمانان بر اساس آیات قرآن و روایات پیامبر خدا ﷺ و اهل بیت او (علیهم السلام) معتقدند که سرانجام، جهان به

۱. دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۴، ص ۲۱۸۷۷؛ همان و فرهنگ متوسط دهخدا، ج ۲، ص ۲۸۶۹.

دست مردی از نوادگان پیامبر ﷺ و بر مبنای آموزه‌های آن حضرت، به سامان می‌رسد و انسان‌ها در سایه حکومت جهانی او به رستگاری خواهند رسید و در آن زمان، اسلام در همه کره زمین فراگیر و بر همه ادیان پیروز می‌شود.<sup>۱</sup> به همین دلیل، از ظرفیت بسیار بالایی در ایجاد جنبش-های عدالت طلب در جامعه برخوردار است که درک ناقص از این آموزه، آسیب‌هایی چون تفرقه در جهان اسلام را در پی خواهد داشت و مراد ما از مهدویت، معنای عام آن است.

**قیام به سیف:** اصطلاح «قیام»، نقیض «الجلوس» است و از ریشه (قَامَ يَقُومُ قَوْمًا و قِيَامًا)<sup>۲</sup> و به معنای بیداری، خیزش، برخاستن، ایستادن، به پاخاستن، استقامت، مبارزه، تلاش پایدار، بیداری از خواب غفلت، عبرت و آگاهی می‌باشد.<sup>۳</sup> در زبان فارسی، «قیام»، از لحاظ اصطلاحی (در سیاست، عرفان، علوم اجتماعی و ...) مفهوم گسترده‌ای یافته است که همه آن‌ها به معنای برخاستن، خیزش، بیداری، آشکارسازی، نهضت و حرکت است. به همین دلایل، در زبان فارسی، اصطلاحاتی چون «قیام سیاسی»، «قیام نظامی» و «قیام عرفانی» رایج شده است.

برای نمونه، در اصطلاح سیاسی و علم سیاست، «قیام» به مفهوم حرکتی مبارزه‌ای با هدفی معین و عملی ارادی و آگاهانه است که می‌تواند فردی یا جمعی باشد. در این نگرش، قیام، حرکتی است هدایت شده، ارادی و آگاهانه که برای نفی وضعیتی (وضعیت موجود) و اثبات وضعیتی دیگر (وضعیت مطلوب) یا برای ایجاد اصلاح و انقلاب صورت می‌گیرد. به طور کلی، در بعد سیاسی، قیام مفهومی وسیع دارد که هر نوع جنبش و حرکت آگاهانه و ارادی (اعم از فردی و جمعی) را شامل می‌گردد. شاید مهم‌ترین معادل این اصطلاح از نظر سیاسی، دو واژه «نهضت» و «جنبش» باشد<sup>۴</sup> که در مقاله، همین معنا ارائه شده است.

اصطلاح «قیام به سیف» با توجه به وضعیت دوران معاصر، به معنای تحركات مسلحانه است؛ اما در زمان ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به «انقلاب» اطلاق می‌شده است. این اندیشه یکی از اندیشه‌های بنیادین در تحولات سیاسی و مذهبی تاریخ اسلام در قرن دوم هجری است که بر ضرورت قیام علیه حاکمان اموی و عباسی تاکید داشت. این تفکر با پیگیری و قیام زیدبن علی (م ۱۲۲ق)

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (النور: ۵۵).

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۹۶.

۳. معین، فرهنگ معین، ج ۲، ص ۱۲۲۰ و دهخدا، فرهنگ دهخدا، ج ۱۲، ص ۱۷۸۳۲.

۴. جمشیدی، مفهوم و ماهیت «قیام» در اندیشه سیاسی امام خمینی، ص ۴.

علیه حکومت اموی و بعدها به وسیله پیروان و همفکران زید ادامه یافت و به صورت تفکری بنیادین در زیدیه در زمینه تعیین امام در آمد و به «قیام به سیف» معروف شد.<sup>۱</sup>

زیدیه: یکی از فرقه‌های شیعه است که به دلیل اعتقاد به امامت زید بن علی بن الحسین (علیه السلام) به این اسم معروف شدند.<sup>۲</sup> زیدیان بر خلاف شیعیان دوازده امامی، زید بن علی را به جای برادرش محمد باقر، امام پنجم می‌دانند و امام سجاد (علیه السلام) و امامان بعد از ایشان را تنها به عنوان پیشوایان علم و معرفت می‌پذیرند.<sup>۳</sup> آن‌ها عقیده دارند هر شخص فاطمی که شجاع و سخی باشد و قیام به سیف کند، امام واجب‌الاطاعه بوده و در این‌که از حسنیان باشد یا از حسینیان، تفاوتی نیست.<sup>۴</sup> از نظر تاریخی زیدیه به فرقه‌های مختلفی اطلاق می‌گردد: المطرفیه، سالمیه، القاسمیه، المؤیدیه، الصالحیه، بتریه، سلیمانیه، ناصریه، الجارودیه، حریریّه و الهادویه<sup>۵</sup> که همگی ایده قیام علیه حکومت ظلم را در پیش گرفتند.

### امامت در اندیشه زیدیه

امامت در اندیشه زیدیه از چند منظر قابل تامل است؛ به گونه‌ای که تعریف آن‌ها از امامت و شرایطی که برای امام و نحوه تعیین آن قائلند، بر اندیشه مهدویت در زیدیه نیز تاثیر گذاشته است. ابتدا این‌که زیدیان بخشی از عقاید خود در مورد امام را از نصوص گرفته‌اند و برخی دیگر را بر اساس اعتقادات خود در مورد امام را بر اساس اوضاع و احوال توجیه می‌کنند؛ به گونه‌ای که پس از شهادت زید، او را امام بدون نص خواندند.<sup>۶</sup> بنابراین، اندیشه منصوص بودن امامت و اعتقاد به وجود نص بر امامت اهل بیت، مولفه پیوند بین زیدیه و امامیه است که آن‌ها را تحت عنوان تشیع عام قرار می‌دهد. از سوی دیگر، زیدیه معتقد است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به صورت عام بر عترتش نص فرموده است و این نص، همه فرزندان فاطمی از حسنیان و حسینیان را شامل می‌شود.<sup>۷</sup> بنابراین، اندیشه اثنا عشری در زیدیه معنا ندارد و به اعتقاد آن‌ها عترت بر

۱. توحیدی نیا، زمینه‌ها و عوامل طرح‌اندیشه سیاسی «قیام به سیف» در قرن دوم هجری، ص ۹۵.

۲. الدرسی، الروضه النديه فی حقیقه الزیدیه، ص ۸؛ نفیسی، فرهنگ نفیسی، ج ۳، ص ۱۸۰۱ و الدولهف ارشاد الطلب الی تحقیق المذهب الزیدی، ص ۸.

۳. برنجکار، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، ص ۸۶.

۴. شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۵۴ و الدرسی، الروضه النديه فی حقیقه الزیدیه، ص ۹۲.

۵. همان، ص ۱۷۹-۱۸۹؛ فرمانیان، آشنایی با فرق تشیع، ص ۸۳-۱۰۲ و الدرسی، پیشین، ص ۱۰۱-۱۱۴.

۶. توکلی محمدی، بررسی تطبیقی «قیام» در اندیشه زیدیه و امام خمینی، ص ۳۸.

۷. شفق‌خوانی، امامت از دیدگاه زیدیه و امامیه، ص ۹۴.

یک شاخه از فرزندان فاطمی، یعنی حسینیان منحصر نیست و امامت برای همه عترت جایز است.<sup>۱</sup>

زیدیه، با این که وجود نص در مورد امامت امام علی و حسنین (علیهم السلام) را پذیرفته‌اند؛ پس از ایشان تنها کسی را امام می‌دانند که به قیام مسلحانه اقدام<sup>۲</sup> و به خود دعوت کند.<sup>۳</sup> از دیگر شرایط امامت در زیدیه، علم، زهد، شجاعت و سخی بودن است؛<sup>۴</sup> اما به این که امام در این صفات باید برترین روزگار خود باشد، عقیده ندارند و بر همین اساس، عصمت و علم غیب را شرط امامت قرار نداده‌اند. از این رو، امامت دو شخص را در زمان واحد در دو نقطه جدا از هم پذیرفته‌اند.<sup>۵</sup> در واقع باید گفت، امامت در اندیشه زیدیه جایگاه معنوی و جانشینی الهی ندارد و به نوعی امام مجری شریعت شمرده می‌شود<sup>۶</sup> که باید برای اجرای سیره رسول خدا (ص) در جامعه به پا خیزد که این تفکر قیام به سیف به سبب برخی عوامل اعتقادی و اجتماعی، بر اثر فشار بنی امیه ظهور یافت.

### عوامل بسترساز ظهور نظریه قیام به سیف

ظهور اندیشه قیام به سیف و سپس تداوم این نظریه میان فرقه زیدیه، به عنوانی آموزه‌های دینی که یکی از اصلی‌ترین باورهای مذهب زیدیه را شکل می‌دهد؛ محصول برخی عوامل است. «این اندیشه در اوضاعی آماده و بر اساس نوعی مطالبه عمومی صورت گرفته و به همین دلیل از سوی گروه‌های مختلف مورد استقبال قرار گرفته است.»<sup>۷</sup> بنابراین، برخی از عواملی که سبب ظهور این اندیشه و در ادامه با استقبال در قرن دوم هجری روبه رو شد، عبارت است از:

#### ۱. انحراف از سنت و سیره نبوی و گسترش ظلم در حکومت اموی

یکی از عوامل اصلی طرح و ظهور نظریه قیام به سیف، از سوی رهبران جریان‌هایی بود که به

۱. همان، ص ۹۶؛ درس، الروضه الندیه فی حقیقه الزیدیه، ص ۱۲۵ و القاسمی، مجموع السید حمیدان، ص ۱۹۸.

۲. برنجکار، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، ص ۸۶.

۳. الدرسی، الروضه الندیه فی حقیقه الزیدیه، ص ۸۵.

۴. شهرستانی، ملل و نحل، ج ۱، ص ۵۴.

۵. ر.ک: الدرسی، الروضه الندیه فی حقیقه الزیدیه، ص ۱۱ و ابن ابراهیم الوزیری، ص ۲۷۹.

۶. فضیل شرف الدین، الزیدیه نظریه و تطبیق، ص ۹۰.

۷. توحیدی نیا، زمینه‌ها و عوامل طرح‌اندیشه سیاسی قیام به سیف در قرن دوم هجری، ص ۹۶.

دنبال ایجاد تحول در جامعه اسلامی بودند و این عوامل در تحولات تاریخی پس از رحلت پیامبر ﷺ ریشه داشت. پس از وفات پیامبر معیارها و دستورهای حضرت، در برخی مسائل بنیادین، مانند جانشینی پیامبر ﷺ به فراموشی سپرده شد و خلفا یکی پس از دیگری حضرت را در امور اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی تغییر دادند؛ به گونه‌ای که بار دیگر فاصله طبقاتی و امتیازات قبیلگی در جامعه مسلمین ایجاد شد. این گونه برخوردها در دوره عثمان و پس از او در دوره سلطنت امویان به اوج خود رسید.

این انحرافات به آن دلیل بود که هر یک از خلفا تعریف خود را از خلافت و حکومت اسلامی داشت؛ به گونه‌ای که تعریف حاکمان اموی، از حکومت اسلامی، بر دو محور یکپارچه‌سازی تمام کشورهای اسلامی و گسترش مرزهای جغرافیایی می‌چرخید و برای همین، حکام اموی تمام تلاش خود را در تحت فرمان بردن ممالک اسلامی و همچنین گسترش مرزهای جغرافیایی به کار بستند. از سوی دیگر، امویان مناطق علوی نشین و طرفداران آن‌ها مانند کوفه را تحت فشار قرار دادند و لذا روز به روز بر نارضایتی‌های توده مردم از حکومت افزوده می‌شد. مدینه نیز پس از رحلت نبی اکرم ﷺ در ابعاد سیاسی و اجتماعی با محرومیت روبه رو شد و مردم با توجه به تجربه‌ای که از حکومت پیامبر ﷺ داشتند، همواره بر اجرای سنت نبوی تاکید می‌کردند.<sup>۱</sup> این نارضایتی‌ها که ناشی از عدم حل نیازهای ضروری و ستم امویان در جامعه بود، بر محدوده سیاست و قدرت متمرکز گردید. چون مردم تنها راه برخورد با حکومت اموی را قیام و خروج علیه حکومت می‌دانستند؛ برخی بزرگان شیعه که بر لزوم قیام تاکید می‌کردند، مورد استقبال گسترده مردم قرار گرفتند. بر اساس همین ظرفیت، زید بن علی در جواب کسانی که وی را از قیام باز می‌داشتند، خود را در برابر آنچه در جریان بود، مسئول دانست.<sup>۲</sup> بنابراین، با رواج این تفکر در جامعه، قیام به سیف به یک نماد در مخالفت با حکومت در آمد.

## ۲. اعتقاد به قیام مهدی موعود بر علیه ظلم و ستم

عقیده به مهدویت و ظهور مهدی موعود و تحقق عدالت توسط او، از دیگر عواملی بود که می‌توانست بر تکوین نظریه قیام به سیف موثر واقع شود. این موضوع زمانی واضح‌تر می‌شود که به ظهور جنبش «کیسانیه» و همزمانی قیام زید با درگیری مردم با پذیرش مسئله مهدویت و یا انکار مهدویت محمد حنفیه توجه شود؛ زیرا قیام علیه حکومت اموی می‌توانست از منظر افراد جامعه مصداقی برای حدیث پیامبر باشد که به ظهور شخصی از اهل بیت، در زمان فراگیر

۱. همان، ص ۱۰۴-۱۰۵.

۲. همان، ص ۱۰۵.

شدن ظلم و ستم بشارت داده بود.<sup>۱</sup> بر همین اساس، برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که اندیشه مهدویت از منظر پیروان زید بر محور قیام و غلبه است و مهدی را کسی می‌دانستند که علیه ظلم قیام می‌کند و به همین سبب زیدبن علی را به قیام تشویق می‌کردند. طبری می‌گوید: «هشام بن محمد کلبی می‌گوید: شیعیان، پیش زید بن علی می‌رفتند و به او می‌گفتند قیام کند؛ می‌گفتند: امیدواریم منصور تو باشی و این روزگار هلاک بنی امیه باشد.»<sup>۲</sup>

زید نیز نه تنها این باور و اعتقاد را نفی نکرد، بلکه بر اساس برخی گزارش‌ها در پاسخ به سوال از مهدویت خویش، هرچند «مهدویت شخصی» را منکر شد، به «مهدویت نوعی» و این که یکی از نشانه‌های مهدی، قیام است، صحه نهاد.<sup>۳</sup> در نتیجه با شدت یافتن احساس نیاز به منجی از سوی توده مردم و پر رنگ شدن بحث قیام به دلیل ناامیدی از اصلاح امور، بعد نظامی مهدویت بر دیگر جوانب اعتقاد به مهدی سایه افکند و قیام و خروج بر علیه ظلم و ستم به نوعی گفتمان تبدیل گردید و مهدی سمبل قیام بر علیه ظلم شد.

## ۲. عملکرد زید بن علی

عامل دیگر در ظهور و تکوین نظریه قیام به سیف، مواضع و عملکرد زید در برابر حوادث و رخداد‌های زمان، به ویژه موضع او در مقابل رفتار ائمه علیهم‌السلام بود. زید بر خلاف بنی امیه که بر وحدت جهان اسلام به هر قیمتی و بر گسترش مرزهای جغرافیایی تاکید داشتند؛ بازگشت به سنت و سیره پیامبر در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را سرلوحه خویش قرار داد.<sup>۴</sup> از طرفی، با اعلام موضع مخالف در برابر امام باقر علیه‌السلام و تاکید بر لزوم قیام و جهاد،<sup>۵</sup> گروه‌های مختلف جامعه و بخصوص شیعیانی که راه هرگونه تعامل و گفت و گو را برای حل مشکلات بسته می‌دیدند؛ به سوی خود جذب کرد.

۱. «عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ قَالَ سَمِعْتُ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه‌السلام يَقُولُ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وَادِي فَيْمَلَأَهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا كَذَلِكَ...» (صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۸).

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۱۰، ص ۵۶.

۳. ر.ک: زیدبن علی، الامام الاعظم، ص ۳۶۰.

۴. طبری، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۸۱ و الضحیانی، اخبار الامام زید بن علی، ص ۵۷.

۵. ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۵۷.

بر همین اساس، در این دوره به دلیل فشارهای فزاینده هشام بن عبدالملک، به خصوص بر شیعیان، واژه «قیام به سیف» به یک نماد در گفتمان نخبگان تبدیل گردید؛ چنان که زید بن علی بارها از این گونه عبارات در مواضع مختلف بهره برده است. برای مثال در برابر هشام بن عبدالملک می‌گوید: «هرگز قومی سوزش شمشیر را ناخوش نداشت، مگر خوار گردید.»<sup>۱</sup> نیز در برابر امام باقر (علیه السلام) موضع مخالف گرفت و شرط امامت را قیام و جهاد دانست.<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد که می‌توان از این گفت و گوی زید با امام باقر (علیه السلام) نوعی اعتقادش را زید به مهدی بودنش استشمام کرد؛ به نحوی که امام، زید را از عجله کردن برای قیام و تشکیل دولت نهی کرده است و می‌فرماید:

«خدا به واسطه شتاب بندگان شتاب نمی‌کند... خدای عز و جل حلال و حرامی وضع و چیزهایی واجب کرده و مثل‌هایی زده و سنت‌هایی مقرر داشته است و برای امامی که به امر او قیام می‌کند، نسبت به طاعتی که برای او واجب کرده، شبهه و تردیدی باقی نگذاشته است تا امام بتواند امری را پیش از رسیدن وقتش انجام دهد یا در راه خدا پیش از فرا رسیدن موقعش جهاد کند.»

اما زید در پاسخ گفت که امام از ما کسی است که قیام می‌کند.<sup>۳</sup> بنابراین، رفتار و منش زید نیز از دیگر عوامل بستر ساز برای نظریه قیام به سیف بود. در مجموع می‌توان سه عامل اساسی در ظهور نظریه قیام به سیف شناسایی کرد: ۱. ظلم و ستم حاکمان اموی و ناامیدی مردم از اصلاح امور، مگر با توسل به قیام و شمشیر؛ ۲. باور داشت‌اندیشه مهدویت و اعتقاد به قیام مردی از خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) علیه ظلم و ستم؛ ۳. عملکرد و اندیشه سیاسی زید در مسئله امامت.

۱. ابن‌عنه، عمده الطالب، ص ۱۹۵ و هارونی، تبیسیر المطالب، ص ۱۶۲.

۲. « دَخَلَ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ مَعَهُ كُتُبٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ يَدْعُوْنَ فِيهَا إِلَى أَنْفُسِهِمْ وَ يُخْبِرُونَهُ بِاجْتِمَاعِهِمْ وَ يَأْمُرُونَهُ بِالْخُرُوجِ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) هَذِهِ الْكُتُبُ ابْتِدَاءٌ مِنْهُمْ أَوْ جَوَابٌ مَا كَتَبْتَ بِهِ إِلَيْهِمْ وَ دَعَوْتُهُمْ إِلَيْهِ فَقَالَ بَلِ ابْتِدَاءٌ مِنَ الْقَوْمِ لِمَعْرِفَتِهِمْ بِحَقِّنَا وَ بَقَرَاتِنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ لِمَا يَجِدُونَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ وَجُوبِ مَوَدَّتِنَا وَ فُرْضِ طَاعَتِنَا وَ لِمَا نَحْنُ فِيهِ مِنَ الصِّبْقِ وَ الصَّنَكِ وَ الْبَلَاءِ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام) إِنَّ الطَّاعَةَ مَفْرُوضَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سُنَّةٌ أَمْضَاهَا فِي الْأَوَّلِينَ وَ كَذَلِكَ يُجْرِبُهَا فِي الْأَخِيرِينَ وَ الطَّاعَةُ لِرِجَالٍ مَتَّاءٍ وَ الْمَوَدَّةُ لِلْجَمِيعِ وَ أَمْرُ اللَّهِ يَجْرِي لِأَوْلِيَائِهِ بِحُكْمِ مَوْصُولٍ وَ قَضَاءِ مَفْصُولٍ وَ حَتْمِ مَفْضِيٍّ وَ قَدَرِ مَقْدُورٍ... فَغَضِبَ زَيْدٌ عِنْدَ ذَلِكَ ثُمَّ قَالَ لَيْسَ الْإِمَامُ مِنَّا مَنْ جَلَسَ فِي بَيْتِهِ وَ أَرْحَى سِتْرَهُ وَ نَبَطَ عَنِ الْجِهَادِ وَ لَكِنَّ الْإِمَامَ مِنَّا مَنْ مَنَعَ حُوزَتَهُ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ دَفَعَ عَنِ رَعِيَّتِهِ وَ ذَبَّ عَنِ حَرِيْبِهِ... » (كليني، الكافي، ج ۱، ص ۳۵۷).

۳. همان.

## بروز و ظهور اندیشه مهدویت در تکوین نظریه قیام به سیف

همان طور که بیان شد، اندیشه مهدویت در میان فرقه زیدیه با توجه به اعتقاد آن‌ها در باب امامت، دارای جایگاه مهم و والایی نیست؛ اما بروز و ظهور این اندیشه را می‌توان در مراحل ابتدایی و آغازین قیام زید مشاهده کرد؛ به گونه‌ای که می‌توان بر اساس قراین و شواهد موجود، برای اندیشه مهدویت در شکل‌گیری نظریه قیام به سیف، در میان زیدیه نقش مهمی ترسیم کرد؛ به نحوی که این شواهد و قراین نشان دهنده این موضوع هستند که بر اساس اوضاع زمانی موجود<sup>۱</sup> شکل‌گیری این نظریه نمی‌توانست از اندیشه مهدویت متأثر نباشد و عقیده به ظهور منجی و قیام او علیه ظلم و ستم، در شکل‌گیری اندیشه قیام نقش مهمی داشته است که برخی از آن‌ها عبارت است از:

### ۱. مهدی پنداری زید بن علی

یکی از شواهدی که نشان دهنده جایگاه اندیشه مهدویت در شکل‌گیری تفکر قیام به سیف در فرقه زیدیه است؛ بازتاب اندیشه مهدویت در تاریخ زیدیه و ادعای مهدویت درباره زید بن علی است.<sup>۲</sup>

بر پایه برخی اخبار، از زید بن علی درباره این که آیا همان مهدی موعود است و همان شخصی است که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، سوال می‌شود؛ اما زمانی که سائل با پاسخ منفی زید روبه‌رو می‌گردد، چنین بیان می‌کند: «در این صورت می‌ترسم که کلید باز شدن درهای بلا به روی ما باشی... و سبب شوی خانه‌هایمان خراب شود، فرزندان کشته گردند و زیر هر سنگی که پنهان شویم؛ به قتل برسیم.»<sup>۳</sup> زید بن علی، زمانی که با این واکنش منفی شخص روبه‌رو می‌شود، با این که «مهدویت شخصی» را انکار کرده بود، سخن از «مهدویت نوعی» به میان می‌آورد و خود را مصداقی از مصداق مهدیان نوعی معرفی می‌کند. او این عقیده را به روایتی از پیامبر مستند می‌کند، مبنی بر این که در هر قرن باید مصلحی قیام کند.<sup>۴</sup> در تفسیر فرات کوفی از ابو یعقوب عبدی چنین نقل شده است:

۱. به همزمانی قیام زید با پذیرش مسئله مهدویت و یا انکار مهدویت محمد حنفیه توجه شود؛ زیرا قیام علیه حکومت اموی می‌توانست از دیدگاه افراد جامعه مصداقی برای حدیث پیامبر باشد که به ظهور شخصی از اهل بیت، در زمان فراگیر شدن ظلم و ستم بشارت داده بود.

۲. زید بن علی، الامام الاعظم ص ۳۶۰.

۳. همان.

۴. همان.

«زید را ملاقات کردم و درباره اعتقادمان نسبت به علی و حسن و حسین و دلیل آن سوال کردم. زید گفت: مگر قرآن نمی‌خوانید؟» گفتم: چرا، می‌خوانم. سپس زید آیه ﴿وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ﴾ را تلاوت کرد و افزود: در این امت، مثل سه نفری که خداوند ذکر کرده است، علی، حسن و حسین هستند و نفر چهارمی که ظهور خواهد کرد، مثل همان مردی است که از انتهای شهر به سرعت آمد.» به زید گفتم: امید دارم که آن شخص تو باشی! گفتم: «هر چه خدا بخواهد.»<sup>۱</sup> از این گفت و گو چنین به دست می‌آید که مهدویت و انتظار قیام مهدی علیه ظلم و ستم، نقش محوری در پذیرش قیام از سوی افراد جامعه دارد و اعضای جامعه بر این باور بودند که مهدی موعود، شخصی است که بر اساس روایات، به قیام دست خواهد زد و در این قیام، پیروزی نصیب او خواهد شد. به همین دلیل، برخی افراد که بین پذیرش و شرکت در چنین قیام‌هایی مردد بودند، از مهدی بودن رهبران قیام‌ها سوال می‌کردند که در صورت پاسخ مثبت، با شخص همراهی و با مواجه شدن با پاسخ منفی از رهبران قیام دوری می‌کردند. علامه عسکری می‌نویسد:

«امامزاده‌هایی که برای امر به معروف قیام می‌کردند - همانند زید- با مردم سخن صریح نمی‌گفتند... در نتیجه گفتارهای توریه آمیز، در جوامع اسلامی آن روز که احادیث پیامبر در زمینه امامت و مهدویت به سبب جلوگیری حکومت از نشر حدیث پیامبر ﷺ نرسیده بود؛ یک نوع آشفتگی ذهنی در این باره ایجاد شده بود. بدین سبب، هر امامزاده‌ای که در جایی قیام می‌کرد، یک دسته از مسلمان‌هایی که از ظلم حکام به ستوه آمده بودند، به گرد او جمع می‌شدند.»<sup>۲</sup>

بر همین اساس، به دلیل آن که اعضای جامعه تحت فشار و ستم حکومت بودند و تصورشان این بود که نهایت مصداق ظلم در همان زمان به وقوع پیوسته است؛ زمانی که شاهد قیام افرادی از خاندان اهل بیت بودند، همان قیام را مصداق خروج مهدی ﷺ تصور می‌کردند. به نظر می‌رسد برای دفع همین تصور اشتباه بود که امام صادق (علیه السلام) در دفع شبهه قائمیت زید در پاسخ ابو الصباح الکنانی، می‌فرماید که اگر او قیام کند، کشته می‌شود و تنها نشانه قائمیت، قیام به سیف نیست.<sup>۳</sup> علامه مجلسی می‌فرماید: «مراد امام این بوده که نشانه قائمیت این است

۱. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۳۵۴.

۲. عسکری، نقش ائمه در احیای دین، ج ۲، ص ۱۹۱.

۳. ر.ک: کشی، رجال کشی، ص ۳۵۰.

که زمانی که قیام کرد، بتواند غلبه کند و پیروز شود و صرف قیام به سیف موجب اشتباه در تشخیص مصداق قائم است؛ زیرا می‌تواند در یک زمان مصادیق متعدد داشته باشد.<sup>۱</sup> یکی دیگر از این شواهد و قراین بر تاثیرگذاری مهدویت در ظهور اندیشه قیام به سیف، بازتاب اندیشه مهدویت در قیام‌های زیدی است.

## ۲. بازتاب اندیشه مهدویت در قیام‌های زیدی

یکی دیگر از قراین و شواهدی که بر تاثیر اندیشه مهدویت در نضج و ظهور نظریه قیام به سیف دلالت می‌کند؛ بازتاب اندیشه مهدویت در تاریخ فرقه زیدیه پس از قیام زید بن علی است که حداقل تا میانه قرن چهارم، ادعای مهدویت، بخشی از تاریخ زیدیه را به خود اختصاص داده است؛ به گونه‌ای که در قیام‌های زیدی سه قرن نخست که به دست رهبران زیدی شکل گرفت، اندیشه مهدویت به وضوح نمایان است. برای مثال، بر پایه برخی گزارش‌های ابراهیم بن عبدالله بن حسن امیدوار بوده است که برادر او، عبدالله نفس زکیه همان مهدی موعود باشد و دلیل او بر این امر، قیام وی به منظور امر به معروف و مبارزه با ظلم بوده است.<sup>۲</sup> در گزارشی دیگر، عمیر بن فضل از منصور دوانیقی نقل می‌کند که او به صراحت اعلام می‌کند که محمد بن عبدالله بن حسن، مهدی موعود است.<sup>۳</sup>

یحیی بن عبدالله بن حسن مثنی، برادر محمد نفس زکیه از دیگر رهبران زیدی است که پیروان او به مهدی بودن او امید داشتند. ادریس، برادر وی به یحیی می‌گوید که بر اساس روایات، برای ما در آخرالزمان پرچمی از مغرب زمین برافراشته می‌شود و خداوند به دست صاحب آن پرچم، حق را پیروز می‌گرداند و من امیدوارم که آن شخص تو باشی.<sup>۴</sup>

حسین بن قاسم بن علی بن عبدالله بن محمد بن القاسم العیانی (۲۳۷-۴۰۴ ق)<sup>۵</sup> از دیگر رهبران زیدی یمن است که درباره او ادعای مهدویت شده است و برخی بر این باورند که او خود نیز ادعا داشته که مهدی می‌باشد<sup>۶</sup> و به همین دلیل، لقب «المهدی لدین الله» را برای خود برگزیده است. باور به مهدویت حسین به قاسم العیانی به حدی در زیدیه بالا گرفت که به پدید آمدن فرقه‌ای به نام «حسینییه» منجر گردید؛ به گونه‌ای که گروهی از زیدیان پس از کشته شدن او

۱. مجلسی، بحا الانوار، ج ۴۶، ص ۱۶۶.

۲. هارونی، تیترا المالب فی امانی ابی طالب، ص ۱۹۴.

۳. ر.ک: همان، ۱۹۷.

۴. ر.ک: الزاری، اخبار فخر، ص ۴۹.

۵. حسین قاسم العیانی، مجموع کتب و رسائل الامام المهدی الحسین بن القاسم العیانی، ص ۲۵.

۶. همان، ص ۳۳.

در سال ۴۰۴ هجری مرگ او را نپذیرفتند و بیش از سه قرن همچنان منتظر بازگشت او به عنوان منجی بودند.<sup>۱</sup> اعتقاد زیدیه به مهدویت و قیام به سیف در آغاز چنان پررنگ و واضح بود که حتی پیامد اجتماعی داشت که این نیز از قراین مستقل در اثبات جایگاه اندیشه مهدویت در نظریه قیام به سیف به شمار می‌آید.

### ۳. بازتاب اجتماعی مهدویت در قیام به سیف

اعتقاد به مهدویت و قیام مهدی موعود علیه ظلم و ستم در زیدیه پیامد و بازتاب اجتماعی نیز داشته است؛ به گونه‌ای که شعار زیدیان در آغاز قیام «ای منصور! بمیران، بمیران! بوده است.»<sup>۲</sup> و در برخورد با زید نیز این امید را مطرح می‌کردند که امیدواریم تو همان منصور باشی و این دوره پایان حکومت بنی امیه باشد.<sup>۳</sup> بر همین اساس، با توجه به تاثیر اجتماعی اندیشه مهدویت بر میان توده مردم سخن صریحی که در آن به نفی این اعتقاد پرداخته باشد و مهدویت را از خود نفی کند، در دست نیست، بلکه طبق برخی اخبار او این عقیده را نسبت به خود تایید کرده است. در تفسیر فرات کوفی از ابو یعقوب عبدی چنین نقل شده است:

«زید را ملاقات کردم و درباره اعتقادمان نسبت به علی و حسن و حسین و دلیل آن سوال کردم؛ زید گفت: «مگر قرآن نمی‌خوانید؟» گفتم: چرا می‌خوانم. سپس زید آیه ﴿وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ﴾ را تلاوت کرد و افزود: «در این امت مثل سه نفری که خداوند ذکر کرده؛ علی، حسن و حسین هستند و نفر چهارمی که ظهور خواهد کرد، مثل همان مردی است که از انتهای شهر به سرعت آمد.» به زید گفتم، امید دارم که آن شخص تو باشی، گفت: «هر چه خدا بخواهد.»<sup>۴</sup> همچنین در روایتی که کشی از ابی الصباح نقل کرده آمده است که زید در پاسخ به این که آیا او اعتقاد دارد که ائمه چهار نفرند و چهارمین آن‌ها قائم است؛ این سخن را تایید کرد و به بحث با ابو الصباح پرداخت و با توجه به همین پیامد و بازتاب اجتماعی اندیشه مهدویت بود که حضرت امام صادق (علیه السلام) معیار مهدی بودن را تنها قیام به سیف ندانست و پیروزی و متابعت را

۱. فرمانیان، آشنایی با فرق تشیع، ص ۹۶.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۶۶.

۳. همان، ۱۸۲.

۴. فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۳۵۴.

شرط آن قرار داد تا افراد جامعه به صرف قیام فردی از خاندان اهل بیت به مهدویت و امامت او اعتقاد پیدا نکنند.<sup>۱</sup>

طعنه مخالفان مهدویت و قیام زید، از دیگر شواهدی است که نمایانگر جایگاه مهدویت در شکل گیری نظریه قیام به سیف است؛ زیرا زمانی که زید بن علی کشته شد، مخالفان، زبان به طعن گشودند و اعتقاد پاره‌ای از هواداران زید را به تمسخر و نقد می‌گرفتند و می‌گفتند، ما زید شما را بر چوبه درخت خرمایی به دار زدیم و هیچ‌گاه ندیدیم که مهدی بر چوبه درخت خرما دار زده شود.<sup>۲</sup>

این گونه طعنه‌ها علاوه بر این که نشان‌دهنده جایگاه اندیشه مهدویت از منظر پیروان زید است و بیانگر اعتقاد حداقل پاره‌ای از طرفداران زید به مهدویت او می‌باشد؛ گویای این مطلب است که حتی در نظر مخالفان قیام زید، بحث مهدویت به‌گونه‌ای با قیام و ستیز علیه حاکمان ظالم گره خورده و انتظار جامعه از مهدی موعود غلبه و پیروزی بود.

بنابراین، با این که مهدویت در میان زیدیه بیش‌تر به صورت «مهدویت نوعی» مطرح بود و آنان به مهدویت شخصی اعتقاد نداشتند؛ در میان زیدیه بین امامت، مهدویت و قیام به سیف ارتباط بسیار تنگاتنگی وجود داشت. به بیان دیگر، از منظر زیدیان نخستین، شاخص‌ترین و بارزترین صفات مهدی موعود، قیام علیه ظلم و ستم بود و این نوع نگرش به مهدویت که تنها بعد سیاسی اجتماعی در آن پررنگ بود، در پدید آمدن نظریه قیام به سیف تاثیر بسیاری داشت که در نهایت به یکی از شروط مسلم امامت در زیدیه به شمار آمد و دیگر جنبه‌های اعتقادی مهدویت به حاشیه رانده شد.

۱. ر.ک: کشی، رجال کشی، ص ۳۵۰.

۲. ابن حجر هیتمی، ج ۲، ص ۵۸۸ و ابن منظور الانصاری الرویفعی الافریقی، مختصر تاریخ دمشق، ج ۷، ص ۲۴۱.

## نتیجه‌گیری

آنچه با بررسی جایگاه اندیشه مهدویت در نظریه «قیام به سیف» در فرقه زیدیه به دست آمد، عبارت است از این که عقیده به مهدویت دارای جایگاه مهمی در ظهور و تکوین نظریه قیام به سیف است؛ به گونه‌ای که این باور به مهدویت و اعتقاد به قیام امام به سیف در میان زیدیان نخستین، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر داشته‌اند. به بیان دیگر، به یقین، اندیشه مهدویت در قیام زید و قیام‌هایی که به دست رهبران زیدی تا چند قرن بعد از قیام زید در جریان بود، مطرح شده است که نمونه بارز آن را می‌توان در ادای مهدویت نفس زکیه و حسین القاسم العیانی مشاهده کرد. تاثیر اندیشه مهدویت بر شکل‌گیری تفکر قیام با شمشیر در زیدیه، بدان سبب بود که یکی از شاخصه‌های اصلی قیام امام مهدی علیه السلام، در روایات، قیام و مبارزه با حکومت‌های ظالم عنوان شده بود. از این رو، شیعیانی که به دلیل فشار حکومت اموی راه هرگونه اصلاح را بسته می‌دیدند، از عقیده به مهدویت، تنها بعد سیاسی و نظامی آن را گرفتند و قیام به شمشیر یک نماد برای مهدویت شد و در گفتمان نخبگان جامعه مانند زید ابن علی رواج یافت. بنابراین، چون مجموعه کامل عقیدتی و حکومتی، به گونه‌ای جامع در کنار هم قرار نگرفت، هر چند نظریه قیام به سیف در ابتدا از اندیشه امامت و مهدویت متأثر بود؛ در ادامه جنبه حکومتی و نظامی آن بر ابعاد دیگر غالب و بعد اعتقادی مهدویت به حاشیه رانده شد و در نهایت نیز خود این نظریه یکی از شرایط مسلم امامت در فرقه زیدیه به شمار آمد.

## منابع

قرآن کریم.

۱. ابا الحسين، زيد بن علي، مجموع كتب و رسائل الامام الاعظم امير المومنين زيد بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب، محقق: ابراهيم يحيى الدرسي الحمزي، نشر مركز اهل البيت (عليه السلام) للدراسات الاسلاميه، چاپ اول، يمن، ۱۴۲۲ ق.
۲. ابن بابويه (صدوق)، محمد بن علي، كمال الدين و تمام النعمه، محقق: علي اكبر غفاري، نشر اسلاميه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۵ ق.
۳. ابن حجر هيثمي، احمد بن محمد بن علي، الصواعق المحرقة على اهل الرفض و الضلال و الزندقه، محقق: عبدالرحمن بن عبدالله التركي، كامل محمد الخراط، نشر موسسه الرساله، چاپ اول، بيروت، ۱۴۱۷ ق.
۴. ابن عنبه، جمال الدين احمد بن علي الحسيني، عمده الطالب في انساب آل ابي طالب، نشر انصاريان، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۵.
۵. ابن منظور، جمال الدين محمد بن مكرم، لسان العرب، نشر دار صادر، بيروت، بی تا.
۶. برنجكار، رضا، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامي، انتشارات طه (وابسته به موسسه فرهنگي طه)، چاپ ۲۵، بی جا، بی تا.
۷. توحيدى نيا، روح الله، زمينهها و عوامل طرح اندیشه سياسى «قيام به سيف» در قرن دوم هجرى، فصلنامه علمى - پژوهشى تاريخ اسلام، شماره ۷۰، ۱۳۹۶.
۸. توکلى محمدى، مرتضى، بررسى تطبيقى «قيام» در اندیشه زيديه و امام خمينى، نشریه علوم سياسى - دانشگاه باقرالعلوم، شماره ۷۵، ۱۳۹۵.
۹. جمال الدين ابن منظور الانصارى الرويفعى الافريقى، محمد بن مكرم بن علي، مختصر تاريخ دمشق لابن عساکر، محقق: روحیه النحاس، رياض عبدالحميد مراد، محمد مطيع، نشر دار الفكر للطباعه و التوزيع والنشر، چاپ اول، دمشق، ۱۴۰۲ ق.
۱۰. جمشيدى، محمد حسين، مفهوم و ماهيت «قيام» در اندیشه سياسى امام خمينى، نشریه حضور، شماره ۵۶، ۱۳۸۵.
۱۱. الدرسي، ابراهيم يحيى، الروضه النديه فى حقيقه الزيديه، نشر مركز الامام المنصور بالله عبد الله بن حمزه عليه السلام، چاپ اول، يمن، ۱۴۴۱ ق.

۱۲. الدوله، حمود بن محمد بن احمد، ارشاد الطلب الی تحقیق المذاهب [الزیدی]، محقق: المرتضی بن زید المحطوری الحسنی، نشر مکتبه بدر للطباعه والنشر والتوزیع، چاپ اول، یمن، ۱۴۳۸ق.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا، نشر موسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۰.
۱۴. \_\_\_\_\_ فرهنگ دهخدا، نشر موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۷.
۱۵. الرازی، احمد بن سهل، اخبار فخر ( خبر یحیی بن عبدالله و اخیه ادریس بن عبدالله)، محقق: عبد الرقیب مطهر حجر، نشر مرکز اهل البيت (علیهم السلام) للدراسات الاسلامیه، چاپ اول، یمن، ۱۴۲۱ق.
۱۶. شفق خوانی، محمد، امامت از دیدگاه زیدیه و امامیه، مجله طلوع، سال ششم، شماره ۲۱، ۱۳۸۶.
۱۷. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، المل و النحل، نشر موسسه الحلبی، بی‌جا، بی‌تا.
۱۸. الضیحانی، یوسف عبدالاله، اخبار الامام زید بن علی (علیه السلام) روایه ابی مخنف لوط بن یحیی الازدی، بی‌نا، چاپ اول، بی‌جا، ۱۴۴۱ق.
۱۹. الطبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، نشر دار التراث، چاپ دوم، بیروت، ۱۳۸۷ق.
۲۰. عسکری، سید مرتضی، نقش ائمه در احیای دین، نشر بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۹۷.
۲۱. العیانی، الحسین بن القاسم، مجموع کتب و رسائل الامام المهدي الحسین بن القاسم العیانی، محقق: عبدالله حمود العزی، نشر موسسه المصطفی الثقافیه، چاپ اول، یمن، ۱۴۳۴ق.
۲۲. فرمانیان، مهدی، آشنایی با فرق تشیع، نشر مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ اول، قم، ۱۳۸۷.
۲۳. فضیل شرف الدین، علی بن عبدالکریم، الزیدیه نظریه و تطبیق، نشر جمعیه المطابع التعاونیه، بی‌جا، بی‌تا.
۲۴. القاسمی، ابی عبدالله حمیدان بن یحیی، مجموع السید حمیدان، نشر مکتبه اهل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول، یمن، ۱۴۳۶ق.

۲۵. کشی، محمدبن عمر، رجال کشی (اختیار معرفه الرجال)، محقق: مهدی رجایی، نشر مؤسسه آل البيت علیه السلام، چاپ اول، قم، ۱۳۶۳.
۲۶. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، نشر دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲۷. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، محقق: محمد کاظم، نشر وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، مؤسسة الطبع و النشر، چاپ اول، تهران، ۱۴۱۰ق.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار لدرر الاخبار الائمه الطهارت علیه السلام، محقق: جمعی از محققان، نشر دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۲۹. معین، محمد، فرهنگ معین، کتاب راه نو، چاپ چهارم، تهران ۱۳۸۱.
۳۰. نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی، نشر کتاب فروشی خیام، تهران، بی تا.
۳۱. هارونی، السید یحیی بن الحسین بن هارون، تیسیر المطالب فی امالی ابی طالب، محقق: عبدالله حمود العزی، نشر مکتبه الامام زید بن علی الثقافیه، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.